

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
پایان نامه دوره کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

# بررسی جایگاه ذهن در ساحت وجودی انسان از نظر فلسفه صدرایی

استاد راهنما:

دکتر حبیب الله دانش شهرکی

استاد مشاور:

دکتر احمد عابدی آرانی

نگارنده:

قادر مرادی

بهار ۱۳۹۲

## **تقدیم به:**

همه پویندگان علم و عمل به خصوص شهدای هسته ای و شهید مصطفی احمدی روشن و خانواده های این عزیزان به خصوص مادر شهید مصطفی احمدی روشن

## تشکر و قدردانی

حمد و سپاس خداوند منان را که این توفیق به این جانب ارزانی داشت که در ظل توجهات ائمه اطهار از عهده این مقال برآیم و با تقدیر و تشکر فراوان از استاد راهنما جناب آقای دکتر حبیب الله دانش شهرکی که قبول زحمت فرموده و راهنمایی اینجانب را در این زمینه برعهده گرفتند و این جانب در همه زمینه ها از ایشان بهره کافی برده ام همچنین با تشکر از جناب استاد آقای دکتر احمد عابدی آرانی که بر بنده منت نهاده و مشاوره اینجانب را برعهده گرفتند و اینجانب از فیوضات اخلاقی ایشان کسب فیض نموده ام.

## چکیده:

در فلسفه صدرای انسان شناسی از جایگاه رفیعی برخوردار است و در انسان شناسی نیز شناخت ذهن در مرتبه بالایی قرار دارد، ملاصدرا ذهن را مساوی نفس می‌داند و آن را کارخانه انتزاع و مخزنی برای اطلاعات نمی‌داند بلکه ذهن را استعداد نفس برای ادراک صور تعریف می‌کند و به نحوه ادراک جزئیات و کلیات می‌پردازد، وی ذهن را صادر و خالق صور ادراکی می‌داند و معتقد است صور کلی و جزئی قیام صدوری بر ذهن دارند و از ذهن صادر می‌شوند نه اینکه حلولی در ذهن داشته باشند و ذهن محلی برای آنها باشد وی معتقد است حواس ظاهر مُعد ادراک جزئیات و ارباب انواع نیز مُعد ادراک کلیات هستند؛ ذهن در واقع در قوس نزول رویارویی کاملی با ارباب انواع داشته است و در قوس صعود با مشاهده این اشیاء و موجودات مادی و یا مجرد به یادآوری و خلق صورت های ذهنی می‌پردازد حال هرچه قدر این مشاهده دقیق تر و عمیق تر باشد صور ادراکی خلق شده توسط نفس و یا ذهن دقیق تر و ادراک صحیح تر خواهد بود و نفس هر چقدر از غواشی ماده و تعلقات به عالم ماده مبری تر باشد مشاهده اش از اشیاء مادی و مثل نوریه مجردة دقیق تر خواهد بود.

**کلمات کلیدی:** وجود انسان - وجود ذهنی - ذهن - نفس - فلسفه صدرایی

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱ مقدمه
۵	۲-۱ تبیین موضوع
۵	۳-۱ هدف تحقیق
۵	۴-۱ پرسشهای تحقیق
۶	۵-۱ فرضیات تحقیق
۶	۶-۱ روش تحقیق
۶	۷-۱ پیشینه تحقیق
۶	۸-۱ ساختار تحقیق
۷	۹-۱ جنبه نوآوری
۷	۱۰-۱ زندگی نامه صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)
۷	۱-۱۰-۱ زاد و زندگی
۹	۲-۱۰-۱ مرحله اول شاگردی و تحصیل
۹	۳-۱۰-۱ مرحله دوم، روزگار عزلت و عبادت
۱۰	۴-۱۰-۱ مرحله سوم تألیف و بیان آراء و افکار
۱۰	۱۱-۱ زمینه آثار ملاصدرا
۱۱	۱۲-۱ تألیفات مهم ملاصدرا
۱۴	۱۳-۱ آراء ملاصدرا
۱۵	۱-۱۳-۱ وحدت تشکیکی وجود
۱۷	۲-۱۳-۱ حرکت جوهری
۱۷	۳-۱۳-۱ نفس و احوال آن
۱۹	۴-۱۳-۱ مسأله حرکت
۱۹	۱۴-۱ ادب و نزاکت ملاصدرا
۲۱	فصل دوم: طرح مسأله وجود ذهنی
۲۲	۱-۲ ادراک جزئیات
۳۱	۲-۲ ادراک کلیات
۳۴	فصل سوم: براهین اثبات وجود ذهنی
۳۵	۱-۳ از طریق تصور معدومات یا ممتنعات خارجی
۳۷	۲-۳ اثبات از راه تصدیق
۴۰	۳-۳ استدلال از راه کلیات
۴۶	۴-۳ استدلال چهارم
۴۷	۵-۳ استدلال پنجم
۴۹	۶-۳ استدلال ششم

فصل چهارم: بیان اشکالات و شبهات وجود ذهنی و پاسخ آن در بیان ملاصدرا .....	۵۱
۱-۴ اشکال اول .....	۵۲
۲-۴ اشکال دوّم .....	۶۴
۳-۴ اشکال سوّم .....	۷۳
۴-۴ اشکال چهارم .....	۷۸
۵-۴ اشکال پنجم .....	۸۴
۶-۴ اشکال ششم .....	۸۶
فصل پنجم: نتیجه گیری .....	۹۱
۱-۵ تعریف ذهن .....	۹۲
۲-۵ یکی بودن نفس و ذهن در ادراک جزئیات .....	۹۳
۳-۵ یکی بودن ذهن و نفس در ادراک کلیات .....	۹۵
۴-۵ جایگاه ذهن در ساحت وجودی انسان .....	۹۸
فهرست مأخذ و منابع .....	۱۰۷

فصل اول :

کلیات



## فصل اول: کلیات

### ۱-۱ مقدمه

در بررسی و مشاهده جهان هستی وقتی سخن از خلقت و مخلوقات می‌شود انسان همچون گوهر فریده خلقت جلوه‌گری می‌کند این شاهکار خلقت که مفتخر به لقب اشرف مخلوقات از جانب خداوند متعال است و خلیفه الله نامیده شده است برای تعالی باید به شناسایی منبع فیض و کمال یعنی آفریدگارش پردازد و برای معرفت پروردگار نیازمند شناخت خود و جهان پیرامون خود است.

اما در این شناسایی، معرفت نفس و خود، از تقدم و ارجحیت برخوردار است چرا که بدون شناخت نفس نمی‌توان به درک حقیقی از جهان پیرامون و نهایتاً درک خالق این جهان نایل آمد. اهمیت این مسأله از دو جهت است **اولین جهت** این که انسان خود یکی از مخلوقات است و بدون شناخت خود معرفت او نسبت به جهان کامل نخواهد بود و **جهت دوم** اینکه انسان با شناخت خود، توانایی‌ها و استعداد هایش را می‌شناسد که موجب فعلیت و کاربرد این استعدادها و توانایی‌ها در ادراک و معرفت جهان می‌شود.

به همین دلیل در طول تاریخ بشر، اندیشمندان زیادی به بحث شناخت نفس، شناخت معرفت و ادراک و شناخت علم و مقولاتی از این قبیل که ارتباط زیادی با معرفت نفس دارد پرداخته‌اند.

حتی ادیان نیز در این باب سخن گفته‌اند و مباحثی مطرح نموده‌اند و در برخی کتب آسمانی از جانب خداوند متعال به اهمیت این بحث اشاره نموده‌اند؛ قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: "سُنُّرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ اِنَّهُ الْحَقُّ" یعنی به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آنها نشان می‌دهیم تا برای آنان آشکار گردد که او حق است و در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) سخنی بسیار عمیق در ارتباط شناخت پروردگار با به شناخت نفس بیان شده است و شناخت خداوند را به شناخت نفس و خود مرتبط می‌کند ایشان می‌فرماید: "من عرف نفسه فقد عرف ربه" یعنی هر کس خود را شناخت پروردگارش را شناخت و بدین وسیله انسان را به شناخت و تدبر در نفس خود سفارش می‌نمایند.

---

۱- فصلت، ۵۳.

۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد ابن محمد، **غررالحکم و دررالکلم همراه با ترجمه فارسی**، (تألیف سیدحسین شیخ الاسلامی)، چاپ پنجم، (قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۷۹) ج ۲ ص ۱۴۵۷.

در میان متفکرین اسلامی نیز کمتر کسی یافت می‌شود که به این بحث نپرداخته باشد مخصوصاً در میان فلاسفه اسلامی این بحث، بسیار جنجال برانگیز بوده است و نظریات مختلف، متعارض و حتی متناقضی در این باب صادر شده است.

این مسأله در غرب و یونان و روم باستان هم پیشینه ای بسیار عمیق دارد، از فلاسفه قبل از سقراط که بگذریم از زمان خود وی، افلاطون و ارسطو این بحث مطرح بوده است و بسیاری از احتجاجات این متفکرین با سوفسطائیان در همین راستا انجام شده است، در قرون بعد یعنی **قرون وسطی** با حاکمیت اسکولاستیک، **رنسانس** با حاکمیت تجربه گرایی، **مدرنیته** با حاکمیت ماتریالیزم و نهایتاً **پسامدرن** با حاکمیت انسان گرایی نیز از اهمیت این بحث کاسته نشده است و زوایای دیگری از نیاز انسان به این شناخت بر روی بشر باز شده است.

اما در شناخت انسان و جایگاهش در جهان هستی مطلبی بسیار حائز اهمیت وجود دارد که در تبیین و شناخت انسان و جایگاهش مدخلیت دارد و این نکته شناخت ذهن و جایگاهش در ساحت وجودی انسان به عنوان شناسنده است؛ زیرا از آن جهت که مُدرک است و عمل ادراک را انجام می‌دهد یکی از اصلی ترین ساحت های شناخت انسان است و در معرفت نفس جایگاه رفیعی دارد.

این مقاله سعی دارد به شناخت ذهن و جایگاه آن در ساحت وجودی انسان پردازد تا بدین وسیله گامی در جهت شناخت انسان برداشته شود و از این طریق قدمی در شناخت حضرت باری تعالی بردارد.

در جهان پسا مدرن کنونی که عصر انفجار اطلاعات نام گرفته است و ابر قدرتهای جهان در صدد تشکیل دهکده جهانی می‌باشند و در این دهکده برخی را برتر و مدرن و برخی دیگر را پست و جهان سوم نامیده اند و با استعمار و بلکه استعمار جوامع سعی در اثبات آقایی و سیادت خود بر این دهکده را دارند، لازم است که جهانیان با آگاهی و هشیاری کامل به فرهنگ اصیل انسانی و الهی رجوع کنند تا خود را از یوغ بندگی برهانند.

لذا باید با بازگشت به تفکر صحیح و اصیل اسلامی که برگرفته از تعالیم هدایت بخش انبیاء و ائمه اطهار است برخی گزاره های انسانی و بلکه فرا انسانی را باز تعریف نمائیم و از بزرگان علم و مشاهیر تفکر که سرآمد اتصال به چشمه لایزال الهی بوده اند استفاده کافی ببریم تا در تعریف خود از این گزاره ها دچار خطا و اشتباه نشویم.

لذا ما در این مقاله سعی در تبیین و معرفی ذهن و جایگاه آن در ساحت وجودی انسان داریم و در این تبیین از نظریات حکیم متأله **محمد ابن ابراهیم صدرالدین شیرازی** (ملاصدرا) استفاده نموده ایم.

در پایان با تقدیر و تشکر از زحمات تمامی اساتید و دوستان که در تدوین این پایان نامه حقیر را یاری نموده اند یاد آوری می‌نمایم که این مقال در حد بضاعت ناچیز اینجانب بوده است و قطعاً خالی از اشکال نمی‌باشد زیرا مطلب، بسیار عمیق و بلند و بضاعت حقیر، بسیار کوتاه و اندک است لذا از تذکرات و نکات تکمیلی و ایرادات اساتید و صاحب نظران در این باب استقبال نموده و پیشاپیش از بذل محبت، تشکر خالصانه می‌نمایم. امید است با ارشادات اساتید و محققین بزرگوار اندکی از دریای معرفت نصیب حقیر گردد.

و من الله توفیق

قادر مرادی

اسفند ماه یکهزار و سیصد و نود و یک

## ۱-۲ تبیین موضوع

جا دارد که در مقوله انسان شناسی از دیدگاه ملاصدرا جایگاه ذهن از حیث هویت و ماهیت (وجود شناسی و معرفت شناسی) و جایگاه ذهن در هستی و کارکردهای تکوینی آن در حوزه وجودی انسان به طور خاص و در کل هستی به طور عام مورد بحث و پژوهش واقع شده گردد و نهایتاً نظر حقیقی ملاصدرا در این زمینه تبیین شود که با توجه به این نگاه بایستی به فلسفه صدرایی و جهان بینی آن نگاه جدید و رویکرد تازه ای داشت. به ویژه در مبانی این فلسفه به نحوی که بسیاری از اشکالات وارده در فلسفه صدرایی و مبانی آن ناشی از عدم درک و تفسیر صحیح از مواضع صدرا به ویژه در مبحث ذهن می باشد.

## ۱-۳ هدف تحقیق

باید اندیشه متفکران اسلامی را که در قرون معاصر معضلات فکری و علمی بشر را حل نموده اند نه تنها احیا نماییم بلکه متناسب با شرایط عصر حاضر توسعه دهیم و به جای کپی برداری ناقص از اندیشه های دیگران که خود آنها وامدار فلاسفه و متفکران مسلمان ما از قبیل ملاصدرا می باشند (و به نام خود مصادره کرده اند) به معرفی آراء حکمای مسلمان به جهانیان پردازیم. و در عین حال علوم و رشته های تحقیقی بین رشته ای مرتبط زیادی را می شود از آن استخراج کرد.

## ۱-۴ پرسشهای تحقیق

۱. نفس چیست؟
۲. انسان چیست؟
۳. ساحات وجودی انسان چندتاست و چه ارتباطی با هم دارد؟
۴. جایگاه انسان در این ساحات وجودی انسان کجاست و رابطه آن با دیگر ساحات وجودی انسان چگونه است؟
۵. جایگاه انسان در هستی در مرتبه قوس نزول کجاست؟
۶. چه نقشی انسان و به تبع آن ذهن در صدور مراتب قوس نزول دارد؟
۷. جایگاه انسان و به تبع آن ذهن در قوس صعود کجاست؟
۸. چه نقشی انسان و به تبع آن ذهن در تحقق بوجود آمدن مراتب وجودی در قوس صعود دارد؟
۹. قصد ذهن انسان (نفس) از حرکت (از قوه به فعل در آمدن) کجاست؟

## ۱-۵ فرضیات تحقیق

- ۱) ذهن جزئی انسان کلی ساز است زیرا بنابر فلسفه صدرایی در قوس نزول ذهن راقم مراتب وجود در قوس صعود جامع مراتب وجود است.
- ۲) ذهن مساوی با نفس و حقیقت انسان است و منظور مرتبه نفسانی نیست و خزانه اطلاعات نیست. وجهی از کارکرد ذهن، خزانه صور علمیه است.
- ۳) ذهن سازنده و خالق صور ذهنیه اعم از جزئی و کلیه است.
- ۴) صدور صور از درون ذهن است نه از خارج. قیام صدور است نه حلولی.

## ۱-۶ روش تحقیق

در این تحقیق که مشخصاً کتابخانه ای می باشد تلفیقی از روشهای اندیشه ورزی: شرحی، تفسیری، تحلیلی و تبیینی استفاده شده است.

## ۱-۷ پیشینه تحقیق

طی تحقیقات به عمل آمده، در غرب تلاشهایی در این مورد انجام شده است، اما عمدتاً با نگاه مادی به قضیه نگاه شده است و در حوزه اسلامی هم اخیراً بعضی از مجامع از حیثه پژوهشکده فلسفه و کلام دفتر تبلیغات در این زمینه فعالیتهایی انجام داده است ولی بیشتر ترجمه و کپی برداری از آثار فلاسفه غیر مسلمان می باشد. در حالی که فلاسفه اسلامی از جمله ملاصدرا صدها سال قبل به شکل خیلی کامل مطلب را کنکاش و به تحقق رسانده اند. جا دارد که به جای فعالیتهای دیگر، ما به این ذخایر خودی توجه نموده، دوباره احیا و توسعه داده شود و به جهانیان معرفی نماییم.

## ۱-۸ ساختار تحقیق

در **فصل اول** به کلیات تحقیق اعم از مقدمه و تبیین و توضیح اهداف و ضرورت های تحقیق پرداخته ایم.

در **فصل دوم** به ادراک و نحوه ادراک اشیاء توسط ذهن پرداخته ایم.

در **فصل سوم** به بیان براهین وجود ذهنی یا موجود ذهنی پرداخته ایم که در واقع اقامه برهان برای مطالب فصل اول می باشد.

در **فصل چهارم** به طرح و بیان اشکالات وارده بر نحوه ادراک و پاسخ به آنها پرداخته ایم.

و در **فصل پنجم** که فصل آخر است به تبیین ذهن و جایگاه آن در ساحت وجودی انسان پرداخته شده است.

## ۹- جنبه نوآوری

نوآوری در این تحقیق در روش تحقیق و موضوع تحقیق می‌باشد و سعی در بروز رسانی مطالب فلسفی در حوزه ذهن شده است و سعی شده مطالب به نحوی کاربردی بیان شود و این مطالب می‌تواند پایه ای برای تحقیقات آتی در این زمینه باشد.

الف) توجه به منابع و ذخایر بومی با توجه به سازگاری این منابع با فرهنگ رایج.

ب) غنی سازی و به روز نمودن مطالب فلسفی اولاً و بالذات و مسائل فرهنگی ثانیاً وبالعرض.

ج) روشن ساختن نظریات مبتنی بر نگاه نو و جدید و استفاده از این نوع نگاه در بیان دیگر نظریات.

## ۱۰- زندگی نامه صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)

### ۱۰-۱- زاد و زندگی

محمدبن ابراهیم بن یحیی شیرازی قوامی، معروف به صدرالمثلهین و ملاصدرا بزرگ‌ترین فیلسوفی است که در سده یازدهم هجری به عرصه رسید و فلسفه اشراق را به نهایت اوج و رفعت خود رسانید؛ در حالی که فلسفه مشائی و رواقی را مورد انتقاد قرار داد.

با وجود عظمت و شهرت عظیم «صدرا» حیات و وضع زندگی او نقاط تاریک زیاد دارد و بیشتر مترجمان او از تفصیل حیات و سال ولادت و دیگر خصوصیات زندگی او چیزی ننوشته‌اند. نهایت آنچه ما از حیات او می‌دانیم این است که او در شهر شیراز از مادر زاده و گفته‌اند که: پدرش ابراهیم بن یحیی قوامی یکی از وزیران این عصر بوده است ولیکن نام آن دولت که پدر فیلسوف ما وزارت آن را داشته است، معلوم نیست، اما تقریباً یقین داریم که آن دولت، دولت صفویه نیست. (وفات او به سال ۱۰۵۰ هجری اتفاق افتاد، در حالی که به سفر هفتمین خود به حج عزم کرده بود یا از سفر هفتم باز می‌گشت).

صدرا، تنها فرزند پدر بود و پس از نذر و نیازهای به وجود آمده بود. از این رو پدر او را به کسب دانش واداشت. پس از وفات پدر، صدرا به اصفهان رفت تا دانش خود را تکمیل کند و در این شهر بود که به خدمت شیخ بهائی (در گذشته ۱۰۳۱ ه.ق) رسید و علوم منقول را پیش وی آموخت. در زمان بهائی و پس از وفات او، صدرا به خدمت میرمحمد باقر معروف به میر داماد(در گذشته ۱۰۴۱ ه.ق) رسید و از آثار او بر می‌آید که نسبت به میرداماد احترام و ارادت ویژه داشته و او را سید و سند و استاد خویش می‌دانسته است.

### ملاصدرای تکفیر شده

بسیاری از دانشوران جهان، به ویژه ایران، تا زنده بوده‌اند گرفتار مشتی غوغا و بی‌سواد و جماعتی قشری و کوتاه‌نظر بوده‌اند ولیکن پس از مرگ بهره یافته‌اند و افکار تابناک آنها آغاز ناز و

جلوه‌گری کرده و توتیای دیدگان خاص و عام گشته است؛ برای او مجالس بزرگداشت و تجلیل تشکیل داده‌اند، شعرا و داستان‌سرایان در مدح و ستایش او داد سخن داده‌اند و بر مرگ او اسف خورده‌اند و اشک ریخته‌اند.

اگر امروز این همه بر سر فهم افکار او سر و دست می‌شکنند و او را مایه تفاخر حکمت شعاران می‌دانند، در زمان حیات تکفیرش کردند و او از ترس توده نادان و خوف جان، متواری زیست. هیچ بیانی نیکوتر از آنچه خود او در مقدمه «اسفار» از این اوضاع کرده و شرح آن را گفته، رساتر و بهتر نیست. چه بهتر که گوش بدو فرا دهیم:

«.. می‌خواستم کتابی بنویسم که شامل مسائل پراکنده‌ای باشد که در کتابهای گذشتگان یافته بودم. این مسائل جامع اقوال مشائیان و چکیده ادواق اشراقیان و برخی از اصول رواقیان بود. «مطالبی دریافته بودم که در هیچ‌یک از کتابهای اهل فن و حکیمان روزگاران پیدا نمی‌شود و فوایدی که هیچ‌یک از عالمان در آن سخن نگفته‌اند. می‌خواستم مسائلی را در آن بگنجانم که روزگار همانند آنها را به خود ندیده و دوران افلاک نظیر آن را مشاهده نکرده است!» لیکن موانع از نیل به مقصود مانع می‌شد و دشمنی روزگار با سدهای استوار مرا از رسیدن به مراد باز می‌داشت.»

«روزگار مرا از قیام به مقصود و رسیدن به هدف مانع آمده و زمین گیرم کرده بود؛ نمی‌توانستم یافته‌های خود را بیان کنم؛ به سبب آنچه می‌دیدم از دشمنی روزگار با پرورش نادانان و اراذل و روشنی‌آتش‌نادانی و گمراهی و زشتی حال و بدی رجال. حقیقت این است که زمانه مرا به جماعتی گُند فهم و کانا مبتلا کرده است که چشمانشان از دیدار آنوار دانش و اسرار آن کور است و دیدگان‌شان همچون شپ‌رگان از مشاهده معارف و تعمق در آنها عاجز و ناتوان؛ اینان تدبیر در آیات سبحانی و تعمق در حقایق ربانی را بدعت می‌شمارند. نظر آنان از ظواهر اجسام برتر نمی‌رود، فکرشان از این هیكله‌های تاریک و ظلمانی ارتقا نمی‌یابد. اینان مردم را با مخالفت و عناد خود از حکمت و عرفان، محروم کرده‌اند و آنها را به کلی از راه علم و اعتقاد بر علوم مقدسه الهی و اسرار شریف ربانی که پیامبران و اولیاً بدان کنایه کرده و حکیمان و عارفان بدان اشارت فرموده‌اند، دور می‌دارند.»

«... جهل و نادانی، ظاهر گشته است و علم و حکمت و شرف آن از میان رفته است؛ عرفان و اهل آن خوار گشته و خلق از دانش و معارف، منصرف شده‌اند و با عناد و سرسختی از تحصیل و تعلیمی آن ممانعت می‌ورزند و طبایع را از حکیمان و فیلسوفان نفرت می‌دهند و عالمان و عارفان و برگزیدگان پاک را می‌رانند: کل من کان فی بحر الجهل و الحمق اولج و عن ضیأ المعقول و

المنقول اخرج، كان الى اوج القبول و الاقبال اوصل و عند ارباب الزمان اعلم و افضل... هر آن کس که او در بحر جهالت و حماقت غوطه‌ورتر و از ضیاً معقول و منقول دورتر است، همو به اوج قول و قله اقبال مردمان نزدیک‌تر و در نزد بزرگان زمانه دانشمندتر و داناتر است...<sup>۱</sup>

«صدرا» از آغاز تحصیل تا زمان پختگی و نضج افکار - اگر چه احوال گوناگون و دگرگونیهای مختلف پیدا کرد، سه مرحله را گذراند:

### ۱-۱۰-۲ مرحله اول شاگردی و تحصیل

در این مرحله به بررسی اندیشه‌های فیلسوفان و متکلمان و خواندن کتابهای مشائیان و رواقیان اشتغال داشت و از اینکه اوایل عمر را بیهوده گذرانده و چون اهل جدلی مسلک بحث و جدال را برگزیده پشیمانی می‌خورد، چنان که در مقدمه اسفار می‌گوید:

«... من از خدا آمرزش می‌طلبم به سبب آنچه برخی از عمر را به پژوهش اندیشه‌های فیلسوفان و مجادلان به سر آوردم و چون آنها، در تدقیق و گستاخ زبانی و در تفنن در بحث بی‌پروا بودم... تا اینکه به روشنایی ایمان و یاری خدای منان بر من آشکار شد که قیاس آنها عقیم و راهشان غیر مستقیم است، از این رو، رشته همه کارها را به دست وی سپردیم و به پیامبر بیم دهنده او.»<sup>۲</sup>

برخی گویند که صدرا در این مرحله از عمر رساله «طرح الکونین» را نوشت و در آن رأی خود را در وحدت وجود صریحاً و واضحاً بیان داشت که با مسلک اهل عرفان مشابه است.

### ۱-۱۰-۳ مرحله دوم، روزگار عزلت و عبادت

در این دوره به برخی از جبال قم رفت و مدت درازی در خلوت و راز و نیاز با معبود حکیم به سربرد. گروهی گفته‌اند که مدت این عزلت و خلوت ۱۵ سال است ولیکن مأخذ قول خود را ذکر نکرده‌اند. در این مرحله بود، که روح تصوف و ذوق عرفان در وجود او رسوخ تمام یافت و او توانست آنچه از آراء جدالی و افکار مشائی فراگرفته پس پشت بیندازد و روحی متواضع و خلیق و با کمال پیدا کند. خود او در این باره می‌گوید:

«نفسِ خویش را با اصول مجاهده مشغول کردم و دل من با کثرت ریاضتهای سخت افروخته گشت، تا انوار ملکوت بر آن سرازیر شد، پنهانیهای جهان برین برای من روشن گشت و انوار احدیت در دل من درخشیدن گرفت و الطاف الهی متواتر و پیاپی گشت؛ بدانسان که بر

۱- صدرالدین شیرازی محمدبن ابراهیم، الاسفار الاربعه (فارسی)، (ترجمه محمد خواجه‌ی)، چاپ چهارم، (تهران: مولى،

۱۳۸۹)، ج ۱/۱، ص ۱۰.

۲- همان.



اسراری پی بردم و رموزی بر من کشف شد که با برهان نتوانستی شد. بلکه آنچه پیش از این برهان فراگرفته بودم با فرونیهای بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم...»<sup>۱</sup>

### ۱-۱۰-۴ مرحله سوم تألیف و بیان آراء و افکار

بیشتر تألیفات او به طریق اشراقی و کشفی است. نخستین کتابی که در این دوره نوشت، کتاب الاسفار الاربعه است و شاید که به تألیف آن در اواخر مرحله دوم آغاز کرده باشد. این مراحل سه گانه ما را به یاد مراحل می‌اندازد که غزالی نیز طی کرد، این دو تن هر دو نخست به تحصیل و فراگرفتن آراء فیلسوفان و متکلمان پرداختند و سپس آراء فیلسوفان و نظریات متکلمان را بیهوده و گمراه کننده یافتند و گفتند که: این سخنان سالک را به حقیقت نمی‌رساند، از این رو، آن بحثها را ترک گفتند و جدال و پیکار و خصومت‌های عقیدتی را کنار گذاشتند و سرانجام به فضای عطر آگین خیال‌انگیز تصوف و فلسفه اشراقی دل بستند و آرام گرفتند.

### ۱-۱۱ زمینه آثار ملاصدرا

صدرا در فلسفه و حکمت اشراقی کتابهای کلانی نوشته، که همواره - یعنی از روزگار مؤلف - مورد توجه طالبان علم و مشتاقان فلسفه قرار گرفته است و بیشتر آنها به زیور چاپ آراسته شده است. بیشتر کتابهای او در موضوعات زیر بحث می‌کند:

اولاً - آنچه مربوط به شناخت مبدأ نخستین و صفات و آثار اوست که در واقع شامل قسمت اعظم فلسفه به معنی کامل آن است.

ثانیاً - شناخت راه راست و درجات وصول به آن - زیرا همه راه راست را به یک اندازه نمی‌شناسد و چگونگی صعود به حضرت باری تعالی و علم نفس که جزئی از علم طبیعی است و بحث فیلسوف ما در این قسمت، بسیار عمیق و پژوهشگرانه است.

ثالثاً - شناخت معاد و روز رستاخیز و چگونگی حضور در حضرت حق و ورود به سرای رحمت وی. رابعاً - شناخت برانگیختگان و برگزیدگان الهی، از برای دعوت خلق و نجات نفس، مانند پیامبران و اوصیای اولیاء.

خامساً - ذکر اقوال و آراء منکران و بد دینان و کشف فصایح و نابسامانی کلمات آنها و برخی مسائل دیگر.

## ۱-۱۲ تألیفات مهم ملاصدرا

مهم‌ترین آثار ملاصدرا (صدر المتألهین) به قرار زیر است:

۱- **الاسفار الاربعه**، که نخستین بار در ۹۲۶ صفحه در تهران در ۴ جلد و قطع بزرگ به سال ۱۲۸۲ هجری چاپ شد. چون به زودی این کتاب جای خود را میان دانشمندان و حکمت‌دانان باز کرد، فاضلان و دانشمندان به شرح و تحشیه آن پرداختند، که از آن شرحها طهرانی در کتاب خود ۹ شرح و حاشیه نفیس و سودمند را نام می‌برد. چاپ دوم این کتاب به سال ۱۳۷۸ هجری قمری در مطبعه‌های جدید انجام گرفت و به ترتیبی نیکو چاپ شد، که در حاشیه آن شش حاشیه گنجانیده شده است:

الف) حاشیه حکیم آقا علی بن جمشید نوری اصفهانی (در گذشته ۱۲۴۶ ه.ق)؛

ب) حاشیه مرحوم حاجی هادی بن مهدی سبزواری معروف به ملا هادی سبزواری (۱۲۸۸-۲۱۲ ه.ق) صاحب منظومه و شرح معروف آن؛

ج) حاشیه فیلسوف نامدار آقا علی مدرس بن عبدالله زنوزی تبریزی صاحب *بدایع الحکم* (در گذشته ۱۳۱۰ ه.ق)؛

د) حاشیه حکیم اسمعیل بن سمیع اصفهانی شاگرد حکیم ملا علی نوری، (در گذشته ۱۲۷۷ ه.ق)؛  
ه) حاشیه مدرس نامدار «محمد بن معصوم زنجانی»، صاحب حاشیه بر منظومه سبزواری (در گذشته به سال ۱۳۴۹ ه.ق)؛

و) حاشیه علامه سید محمد حسین طباطبایی (در گذشته ۱۳۶۱ ه.ش) صاحب *تفسیر المیزان*.  
گفتنی است که کتاب اسفار شامل بحثهای زیر است:

\* امور عامه و آن چنان که مؤلف گوید درباره طبیعت وجود و عوارض ذاتی آن است.

\* علم طبیعی و اقسام آن.

\* علم الهی، یا شناخت ربوبیت و حکمت الهی.

\* علم نفس از مبدأ تکوین تا آخرین مقامات آن، که معاد باشد.

مؤلف این کتاب را در زمان حیات استادش «میرداماد» (وفات ۱۰۴۱ ه.ق) نوشته است. زیرا در جلد دوم این کتاب (ص ۱۱۱، چاپ طهران) به بقا عمر و سلامت او دعا کرده است. برخی از محققان سال تألیف آن را پیش از ۱۰۲۵ هجری نوشته‌اند.

۲- **المبدأ و المعاد**، که مشتمل بر ۲۷۰ صفحه متوسط است و در سال ۱۳۱۴ ه.ق چاپ شده است. این کتاب در دو فن است: ۱- ربویات؛ ۲- معاد بیان آن متوسط است و مؤلف

روش تحقیق کتاب «اسفار» را اینجا نیز از دست نداده و میان دو مسلک اهل بحث و اهل عرفان توفیق داده است.

۳- **الشواهد الربوبية في المناهج السلوكية**، کتاب نسبتاً مختصری است به روش عرفانی، که در سال ۱۲۸۶ ه.ق به قطع متوسط در ۲۴۶ صفحه چاپ شد. برخی از محققان گفته‌اند که این آخر کتاب صدرا است و مؤلف آن را برای تدریس جهت مبتدیان فلسفه نوشته بوده است.

۴- **اسرار الآيات و انوار البينات**، در شناخت اسرار آیات خدای و صنعتها و حکمتهای وی بنا بر روش عارفان. مؤلف در این کتاب آیات قرآنی را با بحثهای خویش تطبیق کرده است. این کتاب در سال ۱۲۹۲ ه.ق چاپ شده است.

۵- **مشاعر**، به روش عرفانیان، که در سال ۱۳۱۵ ه.ق با قطع کوچکی در ۱۰۸ صفحه چاپ شد. این کتاب، دوباره با برخی حواشی و تعلیقات غلامحسین آهنی چاپ شده و سودمند است.

۶- **الحكمة العرشية**، که آن را هم به روش اهل عرفان نوشته است، این کتاب به همراه «مشاعر» چاپ شده و احساسی بر این کتاب نیز رد نوشته است.

۷- **شرح الهدایه الاثیریة**، که مؤلف در این کتاب، باروش مشائیان و طریقه اهل بحث پیش رفته و از مذهب اصل کتاب که، «الهدایة الاثیریة» نام دارد عدول نکرده است. اصل کتاب تألیفات «اثیرالدین مفضل ابهری» (در گذشته ۶۶۳ ه.ق) است.

۸- **شرح الهیات الشفا**، که در سال ۱۳۰۳ ه.ق به قطع بزرگ با «الهیات شفا» در ۲۶۴ صفحه چاپ شد و آن ناتمام است و تا مقاله ششم رسیده است.

۹- **رساله الحدوث**، این رساله بحث مبسوط و گسترده‌ای است در حدوث عالم، که در سال ۱۳۰۲ هجری به قطع متوسط در ۱۰۹ صفحه چاپ شده است. مؤلف از این کتاب در «اسفار» - من جمله در (صفحه ۲۳۳، ج ۱) نقل می‌کند. از این رو باید پیش از «اسفار» تألیف شده باشد.

۱۰- **رسالة اتصاف الماهیه بالوجود**، این رساله حدود ۱۰ صفحه دارد و در سال ۱۳۰۲ ه.ق چاپ شد. مؤلف در این کتاب اصالت وجود را اثبات می‌کند و می‌گوید: وجود صورتی در اعیان است و به خودی خود هستی و قوام دارد؛ ولیکن ماهیت به سبب و به وجود او هستی می‌یابد و به خودی خود چیزی نیست، بلکه از اعتبارات وجود است و به قول شیخ شبستری:

«وجود اندر کمال خویش ساریست تعین‌ها امور اعتباریست»<sup>۱</sup>

۱۱- **رساله سریان الوجود**، که گمان می‌رود همان رساله «طرح الکوین» باشد، این رساله حدود ۱۶ صفحه دارد و زماناً بر تألیف اسفار مقدم است. در زمان نگارش این کتاب صدرا به اصالت ماهیت قائل بوده ولیکن در «اسفار» از آن عدول کرده چنان‌که خود وی گوید: «من از قول عارفان در باب اعتباری بودن وجود به شدت دفاع می‌کردم و ماهیات را اصل در تحقق می‌دانستم، تا اینکه خدا مرا هدایت کرد و برای من کاملاً واضح و منکشف شد که قضیه به عکس این است.» آنچه صدرا در باب وحدت وجود در این رساله بیان داشته با آنچه در اسفار بیان کرده، یکی نیست.

۱۲- **رساله فی القضا و القدر**، که حدود هفتاد و اند صفحه دارد.

۱۳- **رساله اکسیر العارفین**، در شناخت حق و یقین.

۱۴- **رساله حشر العوالم**، در ۳۰ صفحه، این کتاب در حاشیه «المبدأ و المعاد» چاپ شده است.

۱۵- **رساله خلق الاعمال**، که در حاشیه کشف الفواید علامه حلی چاپ شده است. این رساله را در آبان ماه ۱۳۴۰ خورشیدی آقای سید محمد علی روضاتی با گفتاری از آقای جلال همایی زیر عنوان رساله جبر و تفویض در چاپخانه حبل المتین اصفهان در چهارده صفحه منتشر کرد.

۱۷- **رساله بعض المسائل العویضه**، در جواب سؤالاتی که «شمس‌الدین محمد گیلانی اصفهانی» (در گذشته به سال ۱۰۹۷ ه.ق.) یکی از معاصران و شاگردان او، از وی کرده است.

۱۷- **رساله التصور و التصدیق**، که در سال ۱۳۱۱ هجری با «جوهر النضید» علامه حلی در منطق، چاپ شد.

۱۸- **رساله فی اتحاد العاقل و المعقول**، که حدود ۳۵ صفحه دارد.

۱۹- **کسر الاصنام الجاهلیه**، در کفر بعضی از جماعت صوفیه. «صدرا» از این رساله، در ضمن کتابهای دیگر نام برده است.

۲۰- **رساله فی حل الاشکالات الفلکیه فی الاراده الجزافیه**، صدرا از این کتاب هم در اسفار (ج ۱/۱۷۶) نام می‌برد، ولیکن حاجی سبزواری در حاشیه آن می‌گوید: «لم نر تلك الرسالة = هرگز این رساله را ندیده‌ایم».

۱- شبستری، شیخ محمود، گلشن زار، چاپ دوم، (تهران: طهوری، ۱۳۸۶)، ص ۱۰۴